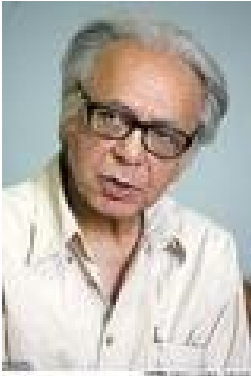


گفت‌وگو با جلال خالقی مطلق؛ «شاهنامه نبود، زبان فارسی از بین می‌رفت»



دوم فروردین ۱۳۸۶

به اعتقاد جلال خالقی مطلق، ادبیات جهانی فردوسی را به عنوان یک حماسه‌سرایی بزرگ می‌شناسد.

نظامی با آن عظمت فراموش شده است

خالقی مطلق درباره‌ی این‌که چقدر به فردوسی توجه شده است، گفت: موضوع بی‌توجهی به شاعران در چارچوب یک عادت ایرانی است؛ به این صورت که هر چند وقت یک‌بار در ایران به یک شاعر علاقه‌مندی نشان می‌دهند. بویژه این مسأله درباره‌ی پنج شاعر بزرگ مثل فردوسی، نظامی، مولوی، سعدی و حافظ بیش‌تر رخ داده است و توجه به این شاعران کم و زیاد می‌شود. در حال حاضر به مولوی بیش‌تر توجه می‌شود؛ تا به سعدی، و اصلاً نظامی شاعری با این عظمت، فراموش شده است.

به‌گفته‌ی او، اتفاقاً به فردوسی و شاهنامه تقریباً همیشه نسبت به سایر بزرگان توجه شده است، منتها در چند سال پیش به‌خاطر برخی گرفتاری‌ها، اصولاً به هیچ شاعری توجه نمی‌شد. اما باز در این میان، فردوسی، به‌خاطر مقامی که اثرش از جنبه‌های گوناگون دارد و بسیار گسترده است، هیچ‌گاه فراموش‌شدنی نیست. حتا اگر مردم ایران او را فراموش کنند؛ یک شاعر جهانی است و از یاد نمی‌رود. مثل این است که بگوییم انگلیسی‌ها شکسپیر را فراموش کنند.

به فردوسی مدیونیم

خالقی مطلق درباره‌ی رابطه‌ی فردوسی و مقوله‌ی هویت ملی ایرانیان و نگاه دنیا در این‌باره توضیح داد: فردوسی از جهت این‌که ارزش‌های ملی را به ما گوش‌زد می‌کند، شاخص است. البته درست است که ما او را با هویت ملی ارتباط می‌دهیم، اما ارزش او فقط ملیت ایرانی نیست؛ بلکه توجه به او در ادبیات دنیا به‌خاطر ارزش ادبی شاهنامه هم هست. شاهنامه برای ما به‌لحاظ هویت ملی ارزش بزرگی دارد؛ چون زنده‌کننده‌ی زبان فارسی است و این حدس همیشه بوده و هست که اگر شاهنامه نبود، زبان فارسی از بین می‌رفت. از سویی، فردوسی بین ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام همانند یک حلقه‌ی میانی و وصل‌کننده می‌ماند و ما تمامیت فرهنگی و تمامیت ملی خود را مدیون او هستیم.

اعتقادات دینی فردوسی چشمگیر است

خالقی مطلق سپس ادامه داد: در مسلمان بودن فردوسی و در این‌که او یک شیعه‌مذهب بوده است، شکی نیست. منتها فردوسی تعصب دینی ندارد و برای همه‌ی مذاهب‌های بزرگ احترام قایل است و در او احساسات ضد ادیان وجود ندارد. در مذهب خودش در چارچوب دیانت اسلامی به‌نوعی متعصب است. اعتقاد دینی‌اش چشمگیر است. فردوسی شدیداً موحد و یکتاپرست

است؛ همان‌گونه که اغلب شاعران بزرگ ما این‌گونه بوده‌اند؛ اما تأکیدی که در قلم فردوسی در شاهنامه به این موضوع هست، ویژه است .

فردوسی و میهن‌جهانی؛ مولانا و جهان‌میهنی

جلال خالقی مطلق درباره‌ی جایگاه فردوسی با توجه به شاخص بودنش برای هویت ملی ایرانی، در مقایسه با شاعران دیگری از جمله مولوی و خیام از نظر موقعیت اندیشه‌ی و ادبی در دنیا، توضیح داد: همه‌ی بزرگان فرهنگ ما به‌نوعی با هویت ملی‌مان در ارتباط اند، چون نام ایران را در جهان زنده می‌کنند. اما فردوسی بر مقوله‌ی ملیت تأکید دارد؛ در حالی‌که مثلاً مولوی بر عرفان و تصوف تأکید دارد. عرفان مولوی یک جهان‌میهنی را تبلیغ می‌کند و حماسه‌ی فردوسی، میهن‌جهانی را، و این اصل، تفاوت بزرگی بین این دو نام‌دار ایرانی است. خیام در برخی رباعیاتش بسیار ملی و ایرانی است. او هم تحت تأثیر خواندن شاهنامه بوده و از دست رفتن شکوه گذشته‌ی ایرانی را شکوه می‌کند و از این استفاده‌ی فلسفی دارد. اما در فردوسی بینش‌های ملی است که در خیام جنبه‌ی فلسفی دارد و بر بعد ملی ارجح می‌شود. به‌نوعی مثل مولوی جهان‌میهن است و اعتقادات فلسفی را طرح می‌کند .

این سخنرانی‌های توخالی !

این مصحح شاهنامه در ادامه اظهار داشت: هنوز خیلی فضا از فردوسی و شاهنامه‌اش هست که رویش کار کنیم؛ اما به شرط این‌که واقعا کار کنیم. چیزی که به فردوسی زیان می‌رساند، این است که درباره‌ی سخنرانی‌های توخالی و همایش‌هایی از این شهر به آن شهر و حرف‌های بی سر و ته فکر نکرده بزنیم، که البته به هر شاعری ضرر می‌زند و این روزها از این همایش‌ها در ایران بسیار برگزار می‌شود. این همایش‌ها در درازمدت به این شاعران زیان می‌رساند و آن‌ها را خیلی همگانی به معنای منفی نشان می‌دهد .

چرا از شاهنامه فیلم نمی‌سازیم؟

خالقی مطلق در بخش دیگری از سخنانش درباره‌ی معرفی بیشتر و تأثیرگذارتر از شاهنامه خاطر نشان کرد: برای معرفی شاهنامه و فردوسی به مردم بهتر از این‌که این قدر حرف بزنیم، انجام کار هنری است. باید از شاهنامه فیلم ساخت. کارگردانان و نقاشان ما این توجه را انجام دهند و از هنرهای رایج امروز جهان برای معرفی شاهنامه استفاده کنند. چون داستان‌های شاهنامه چندسویه هستند، و مثل برخی قالب‌های شعری تک‌بعدی نیستند، می‌توان آن‌ها را با انواع هنرها تلفیق و معرفی کرد .

او در ادامه متذکر شد: بسیار زیاد باید روی شخصیت‌ها و داستان‌های شاهنامه کار کنیم. این‌ها بیش‌تر شاهنامه را بین مردم رواج می‌دهند و به پیشرفت هنر هم کمک می‌کنند. خیلی از آثار ما این ویژگی را دارند که روی آن‌ها کار هنری انجام دهیم؛ مثلاً روی «کلیله و دمنه» .»

چه‌کسی افتخارش این است که افراسیاب شده باشد؟

خالقی مطلق گفت: این بی‌توجهی عموم مردم به شاهنامه به همان دلیل عادت برمی‌گردد. خواندن متن شاهنامه برای آن‌ها کار آسانی نیست و مردم بیش‌تر به رمان خواندن علاقه پیدا کرده‌اند؛ در حالی‌که شاهنامه خود رمانی بزرگ از زندگی بشری است. به همین دلیل است که می‌گوییم باید از هنرهای دیگر برای معرفی شاهنامه استفاده کرد. انگلیسی‌ها شکسپیر را نمی‌خوانند، اما خوب می‌شناسندش، چون فیلم‌های زیادی بر اساس آثارش ساخته شده و حتا بازیگران ستاره‌شان افتخارشان این است که سال‌ها نقش «هملت» را بازی کرده‌اند. اما چه کسی در ایران هست که افتخارش این باشد که در نقش «افراسیاب» ظاهر شده باشد؟ چنین نقشی را گوته هم در آلمان دارد. این کنگره‌ها نه به درد عموم مردم می‌خورند و نه به درد اهل تحقیق و به کلی این همه خرج و هزینه‌ها، بی‌ارزش است. این هزینه‌ها چرا نباید صرف ساخت فیلم، تابلوهای نقاشی یا تئاتر و موسیقی شود، و چرا اهل سینما از این اثر بزرگ فیلم نمی‌سازند؟

ترجمه‌های آلمانی از شاهنامه

خالقی مطلق همچنین درباره‌ی مواردی که در کلیه‌ی تصحیح‌های صورت‌گرفته از شاهنامه تاکنون مغفول مانده‌اند، گفت: چون خودم هم شاهنامه را تصحیح کرده‌ام، درباره‌ی تصحیح دیگران داور نمی‌کنم.

او سپس درباره‌ی ترجمه‌هایی که از شاهنامه ارایه شده است، توضیح داد: شاهنامه این شانس را برای معرفی دارد؛ چون ترجمه‌اش نسبت به مثلاً ترجمه‌ی غزلی از حافظ بسیار آسان‌تر است. شاهنامه متنی روایی است و داستانی را شرح می‌دهد. از قرن ۱۹ و حتا پیش از آن تکه‌هایی از شاهنامه از روی نسخه‌های خطی و کهن در اروپا ترجمه شد. در آلمان نیز ترجمه‌ی فریدریش روکرت که نیمه‌ی نخستین شاهنامه را ترجمه کرده، بسیار استادانه است و از شاهنامه‌ی چاپ کلکته بهره گرفته است. شاک - دیگر مترجم آلمانی - هم ترجمه‌ی خوبی ارایه کرده است. زمانی هم که استاد دانشگاه هامبورگ بودم، یکی از دانشجویانم داستان‌های «رستم و اسفندیار» را ترجمه کرد.

یک حماسه‌سرایی جهانی

خالقی مطلق در ادامه متذکر شد: ادبیات جهانی فردوسی را به عنوان یک حماسه‌سرا می‌شناسد. در بخش حماسه‌سراها، او در کنار هومر، یکی از دو حماسه‌سرای بزرگ جهان محسوب می‌شود. پر بی‌راه نیست که داستان‌های شاهنامه به صورت مستقل در کتاب‌هایی با حجم کم‌تر چاپ شوند. اما دو نکته باید رعایت شود؛ یکی این‌که فکر نکنیم چون عموم مردم آن‌ها را می‌خوانند، پس هر چه به دستمان آمد، چاپ کنیم؛ بلکه متن باید علمی و مدقق باشد و دیگر به توضیح در زیرنویس‌ها نیاز است، که باید انجام شود. در این صورت آثاری که از شاهنامه به‌شکل کتاب‌های کوچک‌تر به‌چاپ می‌رسند، نافع هستند.

منبع : ایسنا

گفت‌وگو خبرگزاری ایسنا با دکتر جلال خالقی مطلق؛ در تیر ماه ۱۳۸۶ - شاهنامه‌پژوه ایرانی مقیم آلمان